

اعتدال



یکی از شگردهایی که همواره در طول تاریخ برای تحت تاثیر قرار دادن افکار عمومی به کار گرفته می شده است، استفاده از مغالطه اشتراک لفظی است، بدین معنی که سیاسیون و نظریه پردازان سعی می کنند از واژه‌ای که دارای چند معناست بدون قرائن خاصی که مرادشان را مشخص کند، آن لفظ را به کار گیرند، تا ذهن مخاطب را به معنای معروفش مشغول سازند، در حالی که خودشان معنای دیگری را اراده کرده‌اند. به عنوان نمونه واژه اصلاحات که در ۱۶ سال قبل میدان دار عرصه سیاست شد، از همین قبیل بود. این واژه حداقل دارای سه معنای متفاوت است؛ ۱. از ماده صلح به معنای آشتی، ۲. از ماده صلاح به معنای سلامت و درستی، ۳. ترجمه رفرم به معنای تغییر تدریجی نظام. روشن است که توده‌های مردم از واژه اصلاح طلبی همان معنای دوم را می فهمیدند، ولی سیاسیون عصر به دنبال اجرایی کردن اصلاحات به معنای سوم بودند. کاری که سرنوشت آن در پایان کار دولت اصلاحات بر همه عیان شد و اهداف واقعی آن در فتنه ۸۸ نقطه ابهامی باقی نگذاشت. واژه اعتدال نیز از همین سنخ است؛ این واژه معانی متفاوتی دارد که یکی از آن‌ها میانه‌روی و حرکت بر جاده میانه، به دور از افراط و تفریط است. همان‌که قرآن مجید آن را امت وسط نامیده است. ولی معنای دیگر آن همان معنای وارداتی است که دشمن آن را اراده کرده است؛ یعنی اسلامی که آمریکایی‌ها بیسندند و با منافع غربی‌ها هیچ تعارضی نداشته باشد، بلکه اهداف و منافع آن‌ها را به نحو احسن تأمین کند. در این نوشتار جهت آشنایی با شاخص‌هایی که غربی‌ها برای اسلام اعتدالی مشخص کرده‌اند به معرفی بخشی از آن‌ها می پردازیم تا روشن شود که اعتدالی که دولت یازدهم از آن دم می زند، چه وجه تمایزی با اسلام اعتدالی آمریکایی دارد. در این باره به تحقیقات موسسه رند در این موضوع می پردازیم. ابتدا خوب است به اختصار با موسسه مذکور آشنا شویم و سپس به پروژه اسلام اعتدالی بپردازیم.

نسخه اعتدالی که آمریکایی‌ها برای ما نوشته‌اند

پروژه غرب برای محو اسلام ناب محمدی

◀ قاسم روانبخش



آشنایی با موسسه رند

موسسه رند (RAND)، موسسه‌ای غیرانتفاعی است که بواسطه تحقیق و تحلیل در بهبود خط‌مشی‌ها، تصمیم‌سازی‌ها و ... کمک می‌نماید. رند روی مسائلی همچون بهداشت، آموزش، امنیت ملی، امور بین‌المللی، قانون و تجارت، محیط و حتی با داشتن یک ستاد تحقیق شامل مرکزی فکور و برتر، بر مسائل مختلف جهانی، متمرکز شده است. رند بیش از ۶۰ سال است که در راستای دانش بشری تلاش و به عنوان یک سازمان بی‌طرف برای امور سیاسی و تجاری نیز احترام قایل است. (سایت موسسه، چشم‌انداز توسعه و امنیت سالانه، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۰). این مؤسسه پژوهشی در واقع یکی از اتاق‌های فکر ایالات متحده آمریکا می‌باشد که در سال ۱۹۴۸ میلادی توسط نیروی هوایی ارتش آمریکا تأسیس شد. مؤسسه رند دارای ۱۷۰۰ کارمند بوده و بودجه آن در سال ۲۰۱۰ میلادی، بالغ بر ۲۴۷ میلیون دلار بود. «الکس ابلا» روزنامه‌نگار آمریکایی که چندی پیش اجازه دسترسی به بایگانی موسسه نظرسنجی «رند» را بدست آورده بود، از برخی برنامه‌های سری این موسسه پرده برداشت. این روزنامه‌نگار آمریکایی در گفت‌وگو با شبکه تلویزیونی «پریزن پلنت» گفت: «همه ما آمریکایی‌ها بدون آن‌که بدانیم، تحت کنترل رند هستیم. هدف نهایی رند از اقداماتش در دست گرفتن همه جوانب زندگی اجتماعی توسط تکنوکرات‌ها در راستای تشکیل یک دولت واحد جهانی است. در واقع به همین خاطر است که رند بر مطالعات اجتماعی متمرکز شده تا قادر به پیش‌بینی رفتار انسان‌ها باشد. رند در واقع یک دولت در سایه است که نجیبان تکنوکرات در آن متولد می‌شوند. (سایت مشرق، ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۰)

موسسه رند در راستای اهداف فوق، کتابی با نام «ایجاد شبکه مسلمانان میانه‌رو» را در ۱۰ فصل تدوین کرده است. این کتاب که با پشتیبانی مالی بنیاد اسمیت ریچاردسون به چاپ رسیده در صدد آن است که با فرهنگ‌سازی، اسلام اعتدالی را در کشورهای

اسلامی نهادینه کند و راه‌های حاکمیت چنین اسلامی را به طرفداران خود در همه کشورها آموزش دهد. نویسندگان این کتاب از اسلام واقعی، با عنوان «تروریسم جهادی» یاد می‌کنند. آن‌ها بر این باورند که اسلام جهادی یا به اصطلاح خود آن‌ها تروریسم جهادی، منافع غرب را تهدید می‌کند. از این رو باید براساس همان مدلی که در دوران جنگ سرد، اتحاد جماهیر شوروی را زمین‌گیر کرد، اسلام جهادی را زمین‌گیر کنیم. آن‌ها معتقدند اسلام‌گرایان تندرو هرچند در اقلیت هستند اما توانسته‌اند شبکه‌های قدرتمندی را در جهان اسلام و در میان جوامع مسلمان آمریکای شمالی و اروپا ایجاد کنند، در حالی که بیشتر مسلمانان در کشورها و جوامع اسلامی، میانه‌رو و لیبرال هستند اما نتوانسته‌اند شبکه‌هایی مشابه ایجاد کنند. بر این مبنا ایشان معتقدند ایجاد شبکه‌های میانه‌رو در جهان اسلام به کاتالیزورهای خارجی نیازمند است و با استفاده از تجربه آمریکایی‌ها در ایجاد و تقویت شبکه‌های آزاداندیشان و دموکراسی‌خواهان در دوران جنگ سرد، می‌توان نقشه راهی برای ایجاد شبکه‌های مسلمانان لیبرال و میانه‌رو ارائه کرد.

مدل آمریکایی در جنگ سرد

آمریکایی‌ها در دوران جنگ سرد، برنامه‌های شبکه‌سازی خود را برای زمین‌گیر کردن شوروی‌ها و تفکر مارکسیستی، در چهار مرحله اجرا کردند: ۱. کمک به سازماندهی گروه‌های شبکه‌ساز دموکراسی‌طلب ۲. ایجاد بنیادهایی برای حمایت مالی از این گروه‌ها، با حفظ فاصله و ارتباط آن‌ها با دولت آمریکا ۳. تنظیم رهنمودهای سیاسی برای گروه‌ها و نهادهای مورد نظر از طریق این بنیادها ۴. فراهم کردن کمک‌های مستقیم محدود برای گروه‌ها و یا نهادهای شبکه‌ساز از طریق فعالیت برخی عناصر سیاسی به عنوان مشاوران رهبران سازمان‌ها. آمریکایی‌ها سعی می‌کنند با استفاده از تجربیاتی که از دوران جنگ سرد آموخته‌اند با چالش‌های کنونی در جهان اسلام مقابله کنند. آن‌ها معتقدند میان دوران جنگ سرد



آمریکا و غربی‌ها برای مقابله با آنچه افراطی‌گری می‌خوانند، سه دسته را به عنوان شرکای بالقوه خود انتخاب می‌کنند؛ سکولارها، مسلمانان لیبرال و سنت‌گرایان میانه‌رو، مانند صوفی‌ها، سکولارها در جهان اسلام در سه گروه قابل دسته‌بندی هستند؛ سکولارهای لیبرال، سکولارهای ضد روحانیون و سکولارهای طرفدار استبداد.

و چالش‌های کنونی آمریکا و غرب در جهان اسلام در حال حاضر شباهت‌های عمده‌ای وجود دارد که بر خی از آن‌ها عبارت‌اند از: ۱. در جریان جنگ سرد آمریکا با تهدید عمده‌ای از سوی شوروی روبرو بود که شامل احتمال حملات ویرانگر هسته‌ای نیز می‌شد. شوروی به ترویج ایدئولوژی‌ای می‌پرداخت که به دموکراسی غربی حمله می‌کرد. امروزه نیز ایالات متحده آمریکا و هم‌پیمانانش با تهدید ایدئولوژیکی روبرو هستند که توسط جنبش‌های جهادی بین‌المللی ترویج می‌شود. ۲. در دوران جنگ سرد آمریکا و متحدانش مبارزه‌ای ایدئولوژیک میان لیبرال دموکراسی و کمونیسم را آغاز کردند که این مبارزه ایدئولوژیک، تمامی ابعاد دیپلماتیک، اقتصادی، نظامی و روانشناسانه - را دربر می‌گرفت. امروزه نیز آمریکا درگیر مبارزه‌ای است که هم نبرد مسلحانه‌ای و هم جنگ عقیده‌ها را دربر می‌گیرد و تنها در صورتی در این مبارزه به پیروزی خواهد رسید که ایدئولوژی‌های به اصطلاح افراط‌گرایان در چشم مخاطبان و حامیانشان بی‌اعتبار شود.

مهم‌ترین تنگنای آمریکایی‌ها

تجربیات آمریکا در دوران جنگ سرد و موفقیت‌هایی که کسب کرده است، نشان می‌دهد که بهترین مدل برای مقابله با خطرانی که امروز آمریکا را تهدید می‌کند، شبکه‌سازی در کشورهای مسلمان از نوع اعتدالی و میانه‌رو می‌باشد. از نظر کارشناسان موسسه رند، یکی از اقدامات مهم آمریکا در این خصوص، باید ارتقاء دموکراسی باشد. از این‌رو برای ایجاد دموکراسی در این کشورها پروژه‌هایی همچون ایجاد آزادی بیان، آزادی مذهبی و دیگر آزادی‌های مدنی پیگیری می‌شود. مساله مهم دیگر توسعه جامعه مدنی است. در واقع تلاش‌های آمریکا برای توسعه جامعه مدنی بسیار گسترده‌تر از برنامه‌های ارتقاء دموکراسی است. توسعه جامعه مدنی اقداماتی همچون گسترش فرصت‌های اقتصادی، رسانه‌های مستقل، حفاظت از محیط، طرح حقوق اقلیت‌ها و حقوق زنان، دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و آموزشی را دربر می‌گیرد. از نظر برخی کارشناسان توسعه جامعه مدنی در واقع رهیافتی غیرمستقیم برای اصلاحات سیاسی است که ضمن تقویت نهادهای دموکراتیک، واکنش رژیم‌های حاکم را به حداقل می‌رساند. راهکار مهم دیگر دولت آمریکا برای شبکه‌سازی استفاده از دیپلماسی عمومی و برقراری ارتباط با مردم و تحت تاثیر قرار دادن آن‌ها در جوامع مورد نظر است. دیپلماسی عمومی مجموعه اقدامات آمریکایی‌ها، مانند: تأمین بودجه تأسیس رادیو و تلویزیون‌های خصوصی، حمایت از گروه‌های معارض و حتی حمایت‌های آکادمیک را دربر می‌گیرد. از جمله ابتکارات آمریکا برای تقویت دموکراسی در خاورمیانه، ابتکار مشارکت خاورمیانه (mepi) با هدف تاثیرگذاری بر چهار گروه سیاستمداران، اقتصاددانان، محصلان و زنان می‌باشد که در ظاهر توسط سازمان‌های غیردولتی حمایت می‌شوند. این مجموعه سرمایه‌گذاری بسیار زیادی کرده است.

نقشه راه برای ایجاد شبکه‌های میانه‌رو در جهان اسلام

از نظر موسسه رند یکی از مهم‌ترین و ضروری‌ترین اقدامات برای شبکه‌سازی، میان مسلمانان میانه‌رو، شناخت اسلام اعتدالی و شاخص‌های آن است. از این‌رو سعی کرده است با کشف این شاخص‌ها، زمینه‌های ایجاد و تقویت این شبکه را فراهم نماید. شاخص‌های مسلمانان میانه‌رو از نظر کارشناسان موسسه رند بدین قرار است: ۱. تعهد به دموکراسی و اعتقاد به مشروعیت مردمی به جای مشروعیت الهی؛ همان‌طور که در سنت غربی لیبرالی وجود

دارد. مسلمانان میانه‌رو قائل‌اند مشروعیت سیاسی از خواست مردم و از طریق انتخابات آزاد و کاملاً دموکراتیک نشأت می‌گیرد. ۲. جهانی دانستن ارزش‌های دموکراتیک، این دسته از مسلمانان بر این باوراند ارزش‌های دموکراتیک، جهانی است. بر این اساس آن‌ها معتقدند دموکراسی باید اساس قوانین و سنت‌های اسلامی باشد. به همین دلیل تلاش می‌کنند، برخی مبانی دموکراسی را به قرآن نسبت دهند، ایشان دستور قرآن به مسلمانان برای اداره امور از طریق شورا را بر این مبنا تفسیر می‌کنند. ۳. تأکید بر منابع قانونی غربی؛ مسلمانان میانه‌رو بر منابع قانونی غیرفرقه‌ای و غیرمذهبی که در سیستم‌های غربی مورد توجه است تأکید دارند، در حالی که مسلمانان جهادی تنها بر جاری شدن احکام شریعت تأکید دارند. ۴. احترام به حقوق زنان و اقلیت‌ها؛ این دسته از مسلمانان با فمینیست‌های مسلمان و گفتگوی بین مذاهب، آزاداندیشانه برخورد می‌کنند و معتقدند برخی دستورات تبعیض‌آمیز قرآن و سنت، به موقعیت زن در جامعه و خانواده آسیب می‌زند. از این‌رو بر این باورند تعلق گرفتن یک دوم ارث به فرزند دختر در برابر پسر، باید بازمینی شود، زیرا شرایط فعلی جامعه با زمان حضرت محمد (ص) تفاوت دارد (همان، ص ۲۸ الی ۳۰). از دیگر شاخص‌های این گروه اعتقاد به این است که قانون شریعت محصول شرایط تاریخی زمان است و برخی موضوعات آن - مانند: مجازات بدنی - دیگر زمینه‌های لازم جهت اجرا نداشته و از این‌رو باید با شرایط مدرن سازگار شود. (همان، ص ۱۳۱)

شرکای بالقوه غربی‌ها در جهان اسلام

بر اساس ویژگی‌های مذکور، آمریکا و غربی‌ها برای مقابله با آنچه افراطی‌گری می‌خوانند، سه دسته را به عنوان شرکای بالقوه خود انتخاب می‌کنند؛ سکولارها، مسلمانان لیبرال و سنت‌گرایان میانه‌رو، مانند صوفی‌ها، سکولارها در جهان اسلام در سه گروه قابل دسته‌بندی هستند؛ سکولارهای لیبرال، سکولارهای ضد روحانیون و سکولارهای طرفدار استبداد.

۱. سکولارهای لیبرال از نهادها و قوانین غیردینی در چارچوب جامعه‌ای دموکراتیک حمایت می‌کنند. آن‌ها به ارزش‌های لیبرال یا ارزش‌های دموکراتیک - اجتماعی که محور مدل غربی مذهب مدنی را شکل می‌دهد، معتقدند. این گروه به جدایی دین از سیاست اعتقاد دارند ولی خصوصاً با مذهب ندارند. ارزش‌های مورد نظر این گروه به جهت‌گیری ارزش‌های سیاسی غرب بسیار نزدیک است. دسته دوم سکولارهای ضد روحانی هستند که خاصیت آن بیشتر در ترکیه است. آن‌ها با هویت مذهبی از جمله پوشش زنان مسلمان در محافل آموزشی یا عمومی مخالفت سرسختانه‌ای دارند. دسته سوم سکولارهای طرفدار استبداد هستند که گروه‌هایی نظیر یعنی‌ها، نئوکمونیست‌ها و طرفداران اعمال فشارهای استبدادی را دربر می‌گیرد. این گروه گرچه با اسلام مخالفند ولی در مواردی که مصالحشان اقتضا کند، از سمبل‌های دینی و مذهبی استفاده می‌کنند، مانند: صدام حسین.

۲. مسلمانان لیبرال؛ این دسته از مسلمانان به گونه‌ای هستند که ایدئولوژی سیاسی آن‌ها بنیاد مذهبی دارد، در عین‌حال دستورالعملی که در نظر دارند، با ارزش‌های دموکراسی غربی منطبق است. آن‌ها تلاش می‌کنند ارزش‌های اسلامی با جهان مدرن هماهنگ شود. آنچه که مسلمانان لیبرال در اعتقاد به آن اشتراک نظر دارند، ارزش‌های اسلامی هماهنگ با دموکراسی، پلورالیزم، حقوق بشر و آزادی فردی است. آن‌ها به‌ویژه با مفهوم دولت اسلامی مخالفند و تأکید دارند که در قرآن هیچ اشاره‌ای به سازماندهی دولت نشده است. مسلمانان لیبرال ریشه‌های دموکراسی اسلامی



را در مفهوم قرآنی شورا تشخیص داده‌اند که به عقیده آنها به معنای تساوی‌گرایی سیستم سیاسی است. بر این اساس باید دولت اسلامی دموکراتیک باشد. از نظر آنها شریعت بر مبنای شرایط تاریخی خاص، در دوره زمانی خاصی به وجود آمده است و اکنون با توجه به شرایط جدید، باید اصلاح شود. (همان، ص ۳۰ الی ۳۱) ۳. سنت‌گرایان میانه‌رو؛ سنت‌گرایان میانه‌رو شامل مسلمانان محافظه‌کاری مانند: صوفی‌ها است که عقایدشان برای قرن‌ها مورد حمایت قرار گرفته است. برخی از رهبران صوفی مخالف هر نوع رژیم اقتدارگرا هستند که کنترل شیعی را بر افکار و عقاید موجب می‌شود. بر این اساس آنها جدی‌ترین منتقد حکومت‌های ایران و عربستان هستند. (همان ص ۳۱ الی ۳۳)

طراحان ایجاد شبکه مسلمانان میانه‌رو در نهایت اظهار می‌دارند هرچند اسلام‌گرایان میانه‌رو از جمله لیبرال‌ها نیستند ولی عقاید آنها می‌تواند فرصتی برای آمریکا باشد که با این گروه تعامل داشته باشد. برخی بنیادهای مورد حمایت آمریکا در این خصوص به مشارکت با سکولارها و اسلام‌گرایان میانه‌رو که با ارزش‌های دموکراتیک موافقت، علاقمند هستند. در کشورهای اروپایی مانند: انگلستان، اسپانیا، و فرانسه نیز تمایل به تعامل با این‌گونه اسلام‌گرایان وجود دارد.

معیارها

کارشناسان موسسه رند در نهایت به ارائه معیارهایی می‌پردازند که بتوان با آن مسلمانان میانه‌رو را از تندرو تفکیک کرد. آنها اظهار می‌دارند: «صرف این‌که گروهی خود را دموکراتیک بنامد و از انتخابات به عنوان راهی برای تشکیل دولت حمایت کند - همچون حزب اخوان المسلمین مصر - کافی نیست. در این عرصه احترام به آزادی بیان، آزادی مذهب و نیز آزادی الحاد به همان اندازه مهم می‌باشد. بنابراین در تعیین ویژگی‌های میانه‌روی برای گروه یا جمعیتی خاص، نیاز به تصویری کامل از جهان‌بینی آن گروه داریم. این تصویر می‌تواند از پاسخ‌های ارائه شده به سوالات زیر حاصل شود:

آیا آن گروه یا شخص از خشونت حمایت کرده یا آن را نادیده می‌گیرد؟ این مساله در گذشته به چه صورت بوده است؟
آیا از دموکراسی حمایت می‌کند؟ در این صورت آیا دموکراسی را به لحاظ حقوق شخصی تعریف می‌کند؟
آیا از حقوق بشر پذیرفته شده از سوی جامعه بین‌المللی حمایت می‌کند؟

آیا استثنائات را می‌پذیرد؟ (با توجه به آزادی مذهب)
آیا به این امر معتقد است که تغییر مذهب، یک حق شخصی است؟
آیا بر این باور است که دولت باید بخش قانون جزائی شریعت را به اجرا در آورد؟ یا بر این باور است که برای حامیان سیستم حقوقی سکولار، در موضوعات حقوق مدنی نباید گزینه‌هایی به غیر از قانون شریعت وجود داشته باشد؟

آیا به این امر معتقد است که اقلیت‌های مذهبی باید از حقوق مساوی با مسلمانان برخوردار باشند؟
آیا بر این باور است که یک عضو از اقلیت‌های مذهبی می‌تواند از پست‌های بالای سیاسی در یک کشور با اکثریت مسلمان برخوردار باشد؟» (همان، ص ۱۲۷-۱۲۸)

پاسخ به پرسش‌های فوق می‌تواند معیار خوبی برای تشخیص طرفداران اسلام اعتدالی از جهادی باشد تا پس از تشخیص، مورد حمایت غربی‌ها قرار گیرند و با حمایت‌های مالی مستقیم یا غیرمستقیم آنها بتوانند در جهان اسلام به مقابله با اسلام ناب محمدی و اسلام انقلابی بایستند.



کمک‌های مالی

یکی دیگر از اقدامات مهم موسسه رند، توجه به حمایت مالی از اعتدالیون و نحوه امدادسانی به آنهاست. آنها توجه دارند که کمک مستقیم آمریکا به هر گروهی، موجب مطرود شدن و عدم موفقیت آنها خواهد شد، از این رو برای رسیدن به این هدف؛ سازوکارهایی اندیشیده‌اند. از این رو کارشناسان موسسه رند راهکاری این چنین ارائه داده‌اند: «حمایت خارجی از مسلمانان میانه‌رو، موضوعی حساس در کشورهای اسلامی است. کمک بین‌المللی باید به شیوه‌هایی صورت گیرد که با شرایط محلی همخوانی داشته و تا جایی که امکان دارد به سازمان‌های غیردولتی و (ngo)ها اتکا داشته باشد که با کشورهای دریافت‌کننده ارتباط دارند. موفقیت اصلی عبارت از تعامل با شرکایی مطمئن و در همان حال پنهان نگه‌داشتن بُعد خارجی حمایت‌ها می‌باشد» (همان، ص ۱۳۹)

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

توجه به شاخص‌ها و ویژگی‌های فوق برای اسلام میانه‌رو و اعتدالی که آمریکایی‌ها معرفی کرده‌اند، می‌تواند راهنمای خوبی برای شناسایی جریان‌های داخل ایران باشد و می‌تواند پاسخ مناسبی به پرسش‌های اساسی فراروی افکار عمومی باشد. باید دقت شود، شعار اعتدالی که این روزها در دستور کار برخی سیاستمداران قرار گرفته و به عنوان شعار اصلی دولت یازدهم انتخاب شده است؛ چه میزان با اسلام اعتدالی آمریکایی فاصله دارد؟ و از طرف دیگر این اسلام اعتدالی با اصلاحات مورد نظر مدعیان اصلاحات چه مقدار انطباق دارد؟ نیم‌نگاهی به شعارهای دولت اصلاحات (جامعه مدنی، آزادی بیان، فمینیسم، حق تغییر دین، حق ارتداد، برابری حقوق زن و مرد در همه عرصه‌ها از جمله ارث، برابری اقلیت‌ها با مسلمانان در کشورهای اسلامی و ...) و ایجاد بحران در دانشگاه‌ها و استفاده از اهرم مطبوعات و رسانه‌ها برای براندازی نظام اسلامی، می‌تواند نسبت اسلام اعتدالی آمریکایی پیشنهادی، با اصلاحات آمریکایی را برای همه روشن سازد. با همین نگاه می‌توان در شرایط کنونی بر روی برخی پرسش‌ها تأمل نمود: حکمت سرمایه‌گذاری اصلاح‌طلبان و اعتدالیون بر دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی چیست؟ چرا مجدداً ngo ها در حال احیا شدن هستند؟ معاونت امور زنان ریاست جمهوری چرا به کسانی واگذار می‌شود که گرایش‌ها بعضاً فمینیستی دارند؟ تکثیر قارچ‌گونه مطبوعات و بازیابی روزنامه‌های زنجیره‌ای در راستای چه هدفی انجام می‌شود؟ حذف ممیزی کتاب و بازگرداندن انتشارات متخلف برای چیست؟ و...؟

گروه‌های هدف

مهم‌ترین گروه‌های هدف برای آمریکایی‌ها جهت ایجاد شبکه‌های مسلمانان اعتدالی عبارت‌اند از: ۱. دانشگاهیان مسلمان لیبرال و سکولار؛ «لیبرال‌ها به سمت مراکز تحقیقاتی دانشگاهی یعنی جایی که می‌توانند تأثیرگذار باشند، گرایش دارند. از آن جایی که شبکه‌هایی از روشنفکران لیبرال و میانه‌رو در سرتاسر جهان اسلام وجود دارد، این بخش مهم‌ترین عنصر متشکله برای شبکه بین‌المللی مسلمانان میانه‌رو می‌باشد.» (همان، ص ۱۳۹)

۲. روحانیون جوان میانه‌رو؛ از نظر رند «یکی از دلایل موفقیت رادیکال‌ها آن است که از مساجد برای تبلیغ ایده‌هایشان و عضوگیری استفاده می‌کنند. از سوی دیگر دانشگاهیان لیبرال برای تعامل با مردم در مساجد احساس راحتی نمی‌کنند. از دید آنها بیان دیدگاه‌های علمی به زبان عامیانه بسیار سخت است. بنابراین یک جنبش لیبرال مسلمان با پایگاه توده‌ای، به مشارکت فعال روحانیون میانه‌رو، به‌خصوص روحانیون جوان بستگی خواهد داشت؛ یعنی کسانی که رهبری آینده را در اختیار خواهند گرفت.» (همان، ص ۱۴۰)

۳. گروه‌های زنان و اقلیت‌های مذهبی؛ «بیشترین ضرر و آسیب از گسترش بنیادگرایی اسلامی و تفاسیر سخت از شریعت متوجه زنان و اقلیت‌های مذهبی می‌باشد. در برخی کشورها زنان برای دفاع از حقوق خود در برابر موج فزاینده بنیادگرایی، سازماندهی را آغاز کرده و روزبه‌روز در کشورهای مسلمان بر اهمیت آنها به عنوان جنبش‌های اصلاح‌طلبانه در کشورهای مسلمان افزوده می‌شود. افزایش گروه‌های جامعه مدنی زنان، به نوبه خود فرصت‌هایی را برای شبکه‌سازی میانه‌روها فراهم کرده است» (همان). «امروز زنان نه تنها به‌عنوان عاملان اصلی دموکراسی‌سازی و تغییر فرهنگی مدنظر هستند، بلکه هم‌چنین در فقدان دیگر جنبش‌های اجتماعی، گروه‌های زنان ایجادکننده توسعه حقوق شهروندی، جامعه مدنی و اجرای اصلاحات مترقی می‌باشند.» (همان، ص ۱۴۴)

۴. روزنامه‌نگاران، نویسندگان و خبرنگاران؛ «پیام‌های رادیکال به واسطه استفاده از اینترنت و دیگر رسانه‌های جدید خارج از کنترل دولت، به‌طور عمیقی در جوامع اسلامی سراسر جهان نفوذ کرده است. در این راستا شبکه‌های رادیو و تلویزیونی مورد حمایت مالی، فاقد توان لازم برای توجه به مشکلات و نگرانی‌های محلی بوده و چندان تلاشی برای تقویت رسانه‌های محلی میانه‌رو نمی‌کنند. بنابراین برای معکوس نمودن گرایش‌های رادیکال در رسانه‌های اسلامی، باید از رادیو و تلویزیون‌های محلی میانه‌رو و نیز وبسایت‌ها و دیگر رسانه‌های غیرسنتی حمایت کرد.» (همان، ص ۱۴۱)



یکی دیگر از اقدامات مهم موسسه رند، توجه به حمایت مالی از اعتدالیون و نحوه امدادسانی به آنهاست. آنها توجه دارند که کمک مستقیم آمریکا به هر گروهی، موجب مطرود شدن و عدم موفقیت آنها خواهد شد، از این رو برای رسیدن به این هدف؛ سازوکارهایی اندیشیده‌اند.